

### متن پرسش

سلام علیکم ، ادامه سؤال ۶۲۷۵: . در سؤال ۶۲۷۵ فرمودید : "ثانیاً: بر فرض که برنامه‌ها عین برنامه‌ی برادران باشد، آیا این درست است؟ آیا زمینه‌ی اجتماعی ما همان نوع فعالیتی که برای طلب مرد فراهم کرده است برای خواهری هم که رسائل و مکاسب خوانده و در درس خارج فقه شرکت کرده، فراهم نموده؟" . مشخصاً منظورتون از زمینه‌ی اجتماعی چیست ؟ مصداق‌های خارجی زمینه‌ی اجتماعی که برادران فقه و اصول خوانده ، دارند چیست که وجود آن زمینه‌ها برای خواهران محل سؤال است؟؟ . استاد ، من این دو تا راه را تصور می‌کنم : ۱ ) راهی که صرفاً تو فضای معرفتی کار عمیقی صورت بگیرد و تقریباً چیزی شبیه شاگردان شما که شارح مباحث شما هستند ، شارح مباحث معرفتی باشیم ، این راه هم از طریق ادامه دادن دانشگاه و هم از طریق حوزه محقق می‌شود و خیلی نیاز به کار عمیق و دقیق در زمینه‌ی فقه و دیگر دروس حوزه نیست و شاید از طریق دانشگاه این کار زودتر محقق می‌شود. ۲) کار در زمینه‌ی نظریه‌پردازی و نگاه کلان به مسائل انقلاب و پیدا کردن راهکارهای دینی برای حل آن مسائل و برآورده کردن نیازهای حکومت بواسطه‌ی دین. مثل نشست اندیشه‌های راهبردی به لحاظ موضوع و مخاطب رهبری که حاکی از این است که زمانه‌ی ما ، زمانه‌ی ای است که متفکران اسلامی باید راجع به مسائل مبتلا به انقلاب باید وارد عرصه‌ی نظریه‌پردازی و تولید فکر بشن . ما چون امروز با مسئله‌ی نظام‌سازی روبرو هستیم و نظام‌سازی محقق نمیشه مگر اینکه نگاه فقهی اصولی هم در آن لحاظ بشه چون اصولاً نظام‌سازی مربوط به حوزه‌ی باید‌ها و نبایدها ست و در کل هر چیزی که مربوط به عمل انسان می‌باشد مربوط به فقه می‌شود ، و چون همان طور که مستحضرید باید پدیده‌های اجتماعی را با نگاه جامع دید و نگاه‌های صرفاً فقهی یا صرفاً فلسفی عرفانی راه به جایی نمی‌برد ، و به نسبت جامعیت انسان ، باید نگاه انسان برای تمدن‌سازی جامع باشه و فقه و اصول هم فقط از طریق حوزه قابل دسترسی هست، در این راه دوم‌گرایی نیست جز رفتن از مسیر حوزه و اجتهاد. مثلاً همین موضوع "چیستی زن امروز" که باید به طور جدی موضوع فکر قرار بگیرد که این راه ، مجهز شدن به نگاه فقه اجتهادی و نگاه فلسفی و عرفانی جدی رو می‌طلبه. در ادامه ، البته هر کدام از این راه‌ها معایب و مزایایی دارند ، راه اول سهل الوصول ، زود بازده و تحویل گرفته می‌شود و مسیر روشن و واضحی دارد و با سبک زندگی امروز سازگارتر است اما حیطة‌ی کار محدود تر است هم به لحاظ عمق هم از نظر وسعت کار. راه دوم ، ابهامات زیادی داره که در وهله‌ی اول در خود مسیر آموزشی سیستم حوزه وجود داره که آیا این هدف فقهی اصولی رو چقدر می‌تواند تأمین بکند ؟ دوم چون این مسیر ، وسیع است و زمینه‌های علمی زیادی را می‌طلبد ، هم

به لحاظ زمانی هم به لحاظ وسعت علمی ، کار زیادی می خواهد و این کار با سبک زندگی امروز و خانه داری و بچه داری و ... معلوم نیست چقدر این زندگی به ما اجازه ی کار علمی را بدهد. و این که چقدر مطمئن هستیم که به نتیجه می رسد؟؟؟ از طرفی این حسن را دارد که در دل خودش راه اول را البته به اجمال دارد. حسن دیگرش این است که مجهز شدن به راه دوم ، راهی است برای ورود به نهادهای نظام و اثرگذاری بیشتر در انقلاب . دیگر اینکه چون زن متفکر انقلابی تو عرصه های تصمیم سازی و تصمیم گیری نبوده ، خیلی جاها نقایص جدی وجود دارد مثل مواردی که بعضا در مباحثتون اشاره کردید. حالا ما به هر پاسخی که به "چیستی ماهیت و جایگاه زن امروز" برسیم در قالب این دو راه قابل پیاده شدن است ، این طور نیست؟؟؟ من چون این دو راه در نظرم بوده ، اومدم حوزه ، شما راه دیگری را متصور می دانید؟؟؟ شما در نظرات قبلی تان این دو راه رو مدنظر داشتید؟ نظرتان چیست؟ در انتها ، به نظر شما زن متفکر فعال حاضر در صحنه ی انقلاب ، ذیل حضرت امام ، الآن وجود داره؟ اگر می شناسید لطفا معرفی کنید و اگر وجود ندارد چرا وجود نداره؟؟؟ به خاطر اینکه چیستی زن امروز مشخص نیست یا به خاطر اینکه اراده و عزمی نبوده؟؟ یا شاید رویکرد و نگاهشون درست نبوده؟؟ لطفا یک آسیب شناسی اجمالی بفرمایید. با تشکر و التماس دعا.

#### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: وقتی به صورت اجمالی متوجه جایگاه نوینی برای زن مطابق اهداف انقلاب باشیم بالاخره در هر صحنه‌ای که بتوانیم در راستای تحقق آن هدف و به تفصیل درآوردن آن اجمال قدم برداریم وارد می‌شویم تا اشراق لازم تجلی کند و راه گشوده گردد. اصل روایت «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ» را رسول خدا «صلوات الله علیه وآله» در همین رابطه فرموده‌اند که می‌توان یکی از مصداق‌هایش را انتظار ظهور حضرت مهدی «عجل الله تعالی فرجه» دانست. انتظار فرج یعنی با آگاهی وارد صحنه شویم تا اشراق لازم که نوری است همه‌جانبه تجلی کند، لازمه‌ی تجلی آن اشراق تفکر و تدبّر در موضوعی است که باید اشراق شود، که در این مورد در کتاب «سلوک ذیل شخصیت امام خمینی» رضوان الله تعالی علیه «عرایضی داشته‌ام. موفق باشید